


## هدایت و سیاست‌های رسول خدا ﷺ به سمت پیشرفت اقتصادی (با تأکید بر زیرساخت‌ها)

سیدمحمد کاظم رجایی رامشه / دانشیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

smk\_rajae@yahoo.co.uk  orcid.org/0000-0002-3275-9439

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۹ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۵

### چکیده

منظور از سیاست‌های اقتصادی رسول خدا ﷺ، هدایت‌ها و راهبردهای اقتصادی مستخرج از احکام حکومتی و ضوابط و قوانین مستخرج از منبع وحی است. تحقیق حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر اسناد و منابع کتابخانه‌ای در مقام پاسخ به این پرسش است که وضعیت مدینه در هنگام هجرت و پایان حکومت رسول خدا ﷺ چگونه بود و حضرت چه سیاست‌های اقتصادی‌ای در دوران کوتاه حاکمیت خود اتخاذ کردند؟ یافته‌های تحقیق حاکی است که حضرت با تربیت انسان‌ها زیرساخت‌های فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی را به سرعت و به نحو کارا ایجاد کردند و مسیر را برای رشد و پیشرفت جامعه فراهم ساختند؛ زندگی همراه با تعصبات قبیله‌ای یثرب را منسجم کردند؛ جنگ‌های قبیله‌ای و ناامنی را به صلح، و جامعه متشتت را به مجموعه‌ای منسجم تبدیل نمودند و با تربیت توحیدی جامعه، فضای کسب و کار کارا ایجاد کردند و سرانجام یثرب متفرق را به امت واحد و مدینه طیبه بدل ساختند و توانستند در مدت بسیار کوتاه، با اعمال سیاست‌های دقیق، در رفتارهای فعالان اقتصادی و در نتیجه ساختارها و نهادها تحول اساسی ایجاد کنند و بالاترین رشد و پیشرفت ممکن در جامعه اعرابی آن زمان را پدید آورند.

کلیدواژه‌ها: رسول خدا ﷺ، سیاست‌های اقتصادی، پیشرفت اقتصادی، کلان‌راهبرد پیشرفت، امنیت سرمایه‌گذاری، زیرساخت‌های اقتصادی.

تعبیر «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ» در آیه شریفه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»<sup>۱</sup> اشاره به این دارد که تاسی و پیروی از سیره رسول خدا ﷺ وظیفه ثابت و همیشگی است.<sup>۲</sup> طبیعی است که کشف سیاست‌های پیشرفت اقتصادی آن حضرت که مربوط به دغدغه شبانه‌روزی مردم است و پیروی از آن، به طریق اولی تکلیف حاکمیت اسلامی باشد. منظور از سیره رسول اکرم ﷺ سبک زندگی و رفتارهای ضابطه‌مند نسبتاً ثابت یا سیاست‌گذاری‌هایی است که از عملکرد آنها در عرصه زندگی فردی، اجتماعی و حاکمیتی‌شان قابل استخراج است. بنابراین در سیره اقتصادی، سخن از سبک زندگی اقتصادی فردی، رفتارهای نسبتاً مستمر اقتصادی، و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی حاکمیتی در میان است. سبک زندگی اقتصادی فردی و خانوادگی را می‌توان در دو عرصه «مصارف» و «کار و تولید» طبقه‌بندی کرد؛ چنان‌که رفتارهای مستمر اقتصادی و سیاست‌گذاری‌های حاکمیتی اقتصاد را می‌توان با دو عنوان «اخلاق اقتصادی» و «سیاست‌گذاری اقتصادی» ارائه کرد. تحقیق حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر اسناد و منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته است، در مقام تبیین بخش چهارم از زیرمجموعه مباحث سیره اقتصادی، یعنی سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی رسول خدا ﷺ با تأکید بر زیرساخت‌هاست.

تقریباً در همه عصرها بخش قابل توجهی از ارتباطات و تعاملات مردم را تعاملات اقتصادی تشکیل می‌دهد. طبیعی است که اگر «هدایت و سیاست‌های اقتصادی» از برنامه قرارگاه رسالت حذف شود، هدایتگری مفهوم واقعی خود را از دست خواهد داد. بنابراین، هدایت و سیاست‌های اقتصادی از الزامات قرارگاه رسالت و کتاب هدایت است. بهترین دلیل بر حضور رسول خدا ﷺ در صحنه سیاست‌گذاری اقتصادی، تبیین مستدل و شفاف سیاست‌های حضرت است. دوران مدینه پیامبر ﷺ، دوران شالوده‌ریزی نظام اسلامی و ساختن الگو و نمونه‌ای از حاکمیت اسلام برای همه زمان‌ها در همه مکان‌هاست.<sup>۳</sup> سیاست‌های اقتصادی رسول خدا ﷺ در گذار از جامعه جاهلی، همانند کلام آن حضرت، منبعث از منبع وحی است و حجتی است برای تصمیم‌سازان اقتصادی کشور در گذار از سیاست‌های جاهلیت مدرن به سمت حکمرانی ولی.

## ۱. پیشینه بحث

کتاب ارزشمندی مانند *الصحيح من سيرة النبي الاعظم* نوشته جعفر مرتضی (۱۴۲۶ق)، *سنن النبي* اثر علامه طباطبائی، *السيرة الحلبية* نوشته ابوالفرج حلبی (۱۴۲۷ق)، *سيرة المصطفى* نگاشته هاشم معروف الحسنی (۱۴۱۶ق) و ده‌ها جلد دیگر از این قبیل هستند که گرچه به‌صراحت به سیاست‌های اقتصادی حضرت پرداخته‌اند، ولی در مجموعه نرم‌افزار نور تجمیع شده‌اند و پیشینه عام موضوع را تشکیل می‌دهند.

۱. احزاب: ۲۱.

۲. ر. ک: سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۶، ص ۲۸۹.

۳. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۳۲.

مقاله «احکام حکومتی رسول خدا ﷺ در بخش کشاورزی»، نوشته سیدعلی حسینی، به بررسی احکام حکومتی حضرت در حوزه کشاورزی، اقطاع‌ها، ایجاد اشتغال، آبادانی و رونق کشاورزی پرداخته است. شریفی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «تبیین راهبردهای اقتصاد مقاومتی در سیره پیامبر اکرم ﷺ»، ابعاد اقتصاد مقاومتی از منظر مقام معظم رهبری را بررسی و سیره نبی مکرم اسلام ﷺ در هر بعد را تحلیل کرده‌اند. مرسل‌پور و جم (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی تحلیلی سیاست اقتصادی پیامبر ﷺ در تخصیص منابع»، سیدحسین زاده یزدی و شریف‌زاده (۱۳۹۵) در مقاله «سیره پیامبر اکرم ﷺ در مقابله با تهدیدهای اقتصادی»، و رجبی نوانی (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی تاریخی دفاع اقتصادی از صدر اسلام تاکنون»، تلاش کرده‌اند برخی تهدیدات اقتصادی عصر نبوی را استخراج کرده، سیاست حضرت در مقابله با این تهدیدها را تبیین کنند.

مقاله «وضعیت اقتصادی مدینه قبل و بعد از اسلام» نوشته بختیاری (۱۳۸۴)، که ترجمه بخشی از کتاب *المجتمع المدني فی عهد الرسول*، نوشته عبدالله عبدالعزیزین / ادریس است، وضعیت اقتصادی مدینه را در زراعت، صنعت، مشاغل، معیارهای کیل و وزن و پول رایج مورد بحث قرار داده است. مزیت این مقاله، فراوانی و تنوع منابع اصیل تاریخی است.

مقاله «راهبردهای اقتصادی حکومت نبوی در مدینه‌النبی» نوشته دادر و بهرامی (۱۴۰۰) تلاش کرده است که راهبردهای اقتصادی غزوات و غنیمت، اهل کتاب و جزیه، تشکیل بیت‌المال، سامان‌دهی اقتصاد زراعی و تشویق به کار و زراعت، تثبیت مالکیت فردی، اصلاح رویکرد تجاری، تأسیس بازار اسلامی، سامان‌دهی و اصلاح مناسبات مالی و اقتصاد خانواده، ترغیب پیشه‌وری و صنعتگری را به‌عنوان راهبردهای اساسی پیامبر ﷺ در مدینه‌النبی مورد کنکاش قرار دهد. مزیت این مقاله، تمرکز بر زیرساخت‌های اقتصادی از منظر اقتصاد اسلامی است. همچنین نگرش مقاله به تربیت توحیدی به‌عنوان زیرساخت پیشرفت در همه ابعاد، و تحلیل پیامدهای اقتصادی از ترکیب فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی الگوی خاص رسول خدا ﷺ، از مزیت‌های مقاله است.

## ۲. قرارگاه رسالت و مسئله اقتصاد

منصب رسالت، قرارگاه هدایت، سیاست‌گذاری و نظارت است. هدایت جامعه، به‌سمت حیات طیبه و سرانجام قرب ربوبی است. دغدغه صبح تا شب مردم، مباحث اقتصادی است. آیا ممکن است که قرارگاه هدایت درخصوص دغدغه صبح تا شب مردم ساکت باشد و برنامه نداشته باشد؟ آیا ممکن است کتاب هدایت که مدعی «بیانگر همه‌چیز و هدایتگری»<sup>۱</sup> است، درباره مسائل اصلی و نیازهای جامعه سکوت کند؟ سیره رسول خدا ﷺ نشان می‌دهد که حضرت نه تنها به مباحث اقتصادی ورود پیدا کردند، بلکه کارآمدترین تدبیرها را انجام دادند. همین

سیاست‌گذاری و نظارت موجب شد که یثرب ضعیف، به مدینه‌النبی تبدیل شود و جزیره‌العرب بدوی در مدت کوتاه به پیشرفت قابل توجهی دست یابد و به یکی از قدرت‌های آن زمان تبدیل شود.<sup>۱</sup>

به برکت برنامه‌های صحیح اقتصادی آن حضرت، وضعیت همه مهاجران بهبود پیدا کرد؛ به گونه‌ای که در اواخر سال‌های عمر پربرکت ایشان، همگی مسکن، شغل و وضعیت رفاهی مناسبی پیدا کردند.<sup>۲</sup> گزارش‌های تاریخی حاکی از ریشه‌کنی کامل فقر در برخی مقاطع و مناطق و کاهش آن در دوره تاریخی صدر اسلام است.<sup>۳</sup> به مرور زمان از تعداد فقرا کم و بر تعداد کسانی که توانایی پرداخت زکات را پیدا می‌کردند، افزوده می‌شد. «پیامبر ﷺ در این صحنه دعوت و جهاد، یک لحظه دچار سستی نشد و با قدرت جامعه اسلامی را پیش برد تا به اوج عزت و قدرت رساند؛ و همان نظام و جامعه بود که به برکت ایستادگی پیامبر ﷺ در میدان‌های نبرد و دعوت، در سال‌های بعد توانست به قدرت اول دنیا تبدیل شود».<sup>۴</sup>

سیاست رسول خدا ﷺ، در مرتبه اول فراهم‌سازی زیرساخت‌های عمومی پیشرفت و رشد اقتصادی بود؛ چنان‌که از ایجاد ساختار و نهادهای لازم برای پیشرفت و تحول در انگیزه و رفتارهای اقتصادی انسان‌ها غافل نبود. البته این رتبه‌بندی به معنای تمرکز بر زیرساخت‌ها و تعطیلی سایر فعالیت‌ها نیست؛ بلکه به معنای اهمیت زیرساخت‌هاست. به همین دلیل، هم‌زمان که حضرت مسجد را بنا می‌کند و اقامه نماز می‌فرماید، بازار را نیز تأسیس و قوانین، ضوابط و مقررات آن را تعیین، تبیین و اجرا می‌کند و هم‌زمان که مشغول تربیت نیروی انسانی است، از مدینه دفاع می‌کند و در عین حال از دانش‌افزایی، اشتغال و تولید غافل نیست.

### ۳. زیرساخت‌های پیشرفت

بنا بر آموزه‌های برگرفته از منبع وحی، حاکمیت در گام اول مکلف به تعمیق ارزش‌های اسلامی است که زمینه تربیت توحیدی را به‌عنوان ابراهرد و پایه‌ای‌ترین زیرساخت پیشرفت در ابعاد مختلف، از جمله پیشرفت اقتصادی، فراهم می‌سازد.<sup>۵</sup> تأمین زیرساخت‌های مرحله بعدی، اعم از امنیت، آموزش عمومی، بهداشت و درمان، فراهم‌سازی زمینه‌های اشتغال و زیرساخت‌های فضای کسب‌وکار، از جمله زیرساخت‌های پیشرفت است که رسول خدا ﷺ در دولت صدر اسلام اعمال فرمودند. همچنین آن حضرت در ضوابط فضای کسب‌وکار تحول اساسی ایجاد کردند و از سیاست‌های حمایتی، مالی و نظارتی درباره بازار و سیاست‌های واگذاری زمین و آب در حوزه کشاورزی بهره‌گرفتند که در این مقاله به‌اختصار به این سیاست‌ها پرداخته می‌شود.

۱. ر.ک: سیدعلی حسینی خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۲۸.

۲. ر.ک: سیدکاظم صدر، اقتصاد صدر اسلام، ص ۴۴.

۳. ر.ک: سیدعلی حسینی، احکام حکومتی رسول خدا ﷺ در اقتصاد کشاورزی، ص ۵۵-۵۹.

۴. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۲۸.

۵. حج: ۴۱؛ انبیاء: ۵۳.

### ۳-۱. تربیت توحیدی

تربیت توحیدی به مفهوم توجه به خداوند در همه حالات و ابعاد زندگی فردی و اجتماعی است. در تربیت توحیدی، انسان عالم را عین ربط و نیاز، و خداوند را علت‌العلل، منشأ همه خیرات، آگاه و تدبیرکننده همه امور می‌داند؛ در نتیجه چشم به عنایت او می‌دوزد و بر او توکل می‌کند.<sup>۱</sup> ثمره تربیت توحیدی، حرکت جهادی و قرار گرفتن انسان در اوج کارایی و بهره‌وری است. تربیت یافته توحیدی، موتور محرک جامعه به سمت رشد اقتصادی و پیشرفت است.<sup>۲</sup> از این رو هرچه تعداد و درجه این نوع تربیت‌یافتگان در جامعه ارتقا یابد، سرعت و درجه پیشرفت و رشد اقتصادی افزایش خواهد یافت.

پیامبر اسلام ﷺ محور قرارگاه رسالت و هدایت بود.<sup>۳</sup> مقدمه هدایتگری، هدایت‌یافتگی است.<sup>۴</sup> از این رو گام اول در این قرارگاه، خودسازی است. نبی مکرم اسلام ﷺ در دوران نوجوانی و جوانی با اشتغال به چوپانی<sup>۵</sup> و انتخاب غار حرا برای محل عبادت، زمینه رسیدن به یک فضای آرام برای خلوت با خدای خود را فراهم کرد و به خودسازی پرداخت؛ تا اینکه وقتی به چهل سالگی رسید، دلش خاشع‌ترین و پزیرفت‌ترین دل‌ها برای دریافت پیام الهی شد<sup>۶</sup> و به پیامبری مبعوث گشت و زمینه برای تحول عظیم در دنیا فراهم آمد.

پس از پاک‌سازی از تعلقات دنیوی و تابش نور معرفت و ایمان بر دل آن حضرت، وجود ایشان به جوهر قدسی تبدیل می‌شود و به نبوت مبعوث می‌گردد. با این نور است که اسرار هستی و حقایق اشیا بر روح متعالی او آشکار می‌شود. با تعالی روح، حقایق معرفتی در قالب کلام الهی که نوری از انوار معنوی حق تعالی است، به شکل وحی بر قلب نبی نزول می‌کند و دریچه‌های نورافشانی و هدایت بر دیگر خلق الله گشوده می‌شود.<sup>۷</sup> اینجاست که قرارگاه رسالت همراه با برنامه هدایتگری به سمت زندگی پاکیزه و قرب ربوبی شکل می‌گیرد.

نبی مکرم اسلام ﷺ در سال چهارم بعثت، خود را در معرض قبایل عرب قرار می‌دهند و در مراکز عمومی با جمله «یا ایها الناس، قولوا لا اله الا الله تفلحوا»،<sup>۸</sup> به فلاح و رستگاری دعوت می‌کند و به تسخیر دنیا با راهبرد توحید می‌پردازد. از سیاست‌های مهم پیشرفت رسول اکرم ﷺ ارائه الگوی هدایتگری مطلوب، الگوی مدینه‌النبی همراه با الگوهای خرد آن است که همگی مبتنی بر تربیت توحیدی است. عنصر اصلی در همه این الگوهای

۱. ر. ک: جمعی از نویسندگان، منشور جمهوری اسلامی ایران، ص ۵۷.

۲. اعراف: ۹۶.

۳. آل عمران: ۱۶۴؛ جمعه: ۲.

۴. یونس: ۳۵.

۵. ابوالفرج حلبی شافعی، السیرة الحلییه، ج ۱، ص ۱۸۳.

۶. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۳۰۹.

۷. شوری: ۵۳و۵۲.

۸. ابوالفرج حلبی شافعی، السیرة الحلییه، ج ۲، ص ۳؛ محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۱۶.

مطلوب، انسان صالح است. «انگیزه و موتور پیش‌برنده حقیقی در نظام نبوی، ایمانی است که از سرچشمه دل و فکر مردم می‌جوشد و دست و بازو و پا و وجود آنها را در جهت صحیح به حرکت درمی‌آورد».<sup>۱</sup> الگوی پیشرفت مطلوب و الگوهای خرد پیشرفت، مانند الگوی بازار و فضای کسب‌وکار مطلوب، توزیع مطلوب، مواسات، سیاست‌گذاری مطلوب، تقدیر معیشت مطلوب، بیت‌المال و بودجه‌ریزی مطلوب، و همه الگوهای خرد پیشرفت و سیاست‌گذاری برای اجرای آن، در درون کتاب زندگی، سبک زندگی رسول خدا ﷺ و سیاست‌های آن حضرت قرار دارد.

این سیاست به دلیل اهمیت، از روزهای نخست هجرت، بلکه پیش از ورود به مدینه، اعمال می‌شود. پیش از هجرت، حضرت با ارسال نامه‌ای به مصعب بن عمیر از وی خواست تا نماز جمعه را در یثرب برپا کند و مردم را به انجام این عبادت سیاسی و اجتماعی دعوت نماید. در چهار روزی که رسول خدا ﷺ در قبا بودند، مسجد قبا را در این ناحیه بنا کردند. جمعه همان هفته در ادامه مسیر قبا به یثرب، هنگام ظهر جمعه وقتی به «وادی راتونا» رسیدند، با استقبال مردم - ظاهراً - قبیله بنی‌سالم که پیش از این مسجدی نیز بنا کرده بودند، روبه‌رو گشتند و حضرت وارد مسجد ایشان شدند و همراه با یک‌صد نفر رو به بیت‌المقدس نماز جمعه خواندند.<sup>۲</sup>

پس از ورود به مدینه، اولین نهادی که تأسیس کردند، مسجد بود. مسجدالنبی در مدینه مقر مرکزی حکومت اسلامی شد. در آنجا پیامبر ﷺ نمایندگان را به حضور می‌پذیرفت و سفیران را از سوی خود به مأموریت‌های اداری و سیاسی و دیپلماسی و نظامی روانه می‌ساخت؛ و مسائل اعتقادی، به‌ویژه توحید، در رأس همه گفت‌وگوهای پیامبر اسلام ﷺ با «وفود» قرار داشت.

این عربی می‌گوید: ولایت نماز، خود یک اصل است. پیامبر اسلام ﷺ هنگامی که امیری را برای منطقه‌ای منصوب می‌فرمودند، امامت نماز را به او واگذار می‌کردند.<sup>۳</sup> حضرت در تمام توافق‌نامه‌های خود با هیئت‌های سیاسی، بر توحید تأکید کرده‌اند. منابع متعدد، مساجد دوران حیات پیامبر ﷺ را بیست باب ذکر کرده‌اند.<sup>۴</sup> حتی براساس اسناد و مدارک واکزاری، اولین شرطی که حضرت برای واگذاری و اقطاع زمین یا هر چیز دیگر داشتند، صدق در اسلام و ایمان بود.<sup>۵</sup>

### ۱-۳. تربیت توحیدی و پیشرفت اقتصادی

مسیرهای تأثیرگذاری تربیت توحیدی بر رشد اقتصادی را از طریق اصلاح انگیزه‌ها، رفتارها، ساختارها و نهادهای اجتماعی می‌توان ردیابی کرد. تربیت توحیدی از طریق انگیزه‌های درونی، رفتارها را متأثر می‌سازد؛ انگیزه انسان

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۳۲.

۲. فضل‌بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۱۵۴؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۶ ص ۳۳۲.

۳. ر. ک: محمدعبدالحی کتاب، نظام الحکومیة النبویه، ج ۱، ص ۱۱۷.

۴. ر. ک: همان، ص ۳۴۹-۳۵۰.

۵. سیدعلی حسینی، احکام حکومتی رسول خدا ﷺ در اقتصاد کشاورزی، ص ۱۲۹ و ۱۳۰.

اقتصادی برای فعالیت و دقت در کار را افزایش می‌دهد و بهره‌وری نیروی انسانی را ارتقا می‌بخشد و به پیشرفت اقتصادی می‌انجامد. با تعمیق ایمان و ارتقای تقوا، روحیه و فرهنگ جهادی در نیروی انسانی شکل می‌گیرد و فرهنگ جهادی بن‌مایه تغییر مضاعف در انگیزه نیروی انسانی، ارتقای مضاعف بهره‌وری، کارایی و سرانجام، شکل‌گیری کار و حرکت جهادی خواهد شد و از این طریق پیشرفت اقتصادی مضاعف را برای جامعه به‌ارمغان خواهد آورد. چنین فرهنگی، منابع و امکانات را بسیج می‌کند و منشأ تخصیص بهینه منابع و تسریع هم‌زمان ارتقای سطح معنویت، رشد اقتصادی و عدالت می‌شود.

انسان مؤمن و پرهیزگار، نعمت‌های الهی - از جمله سرمایه - را موهبت الهی و امانتی در دست انسان می‌داند. او در استفاده صحیح، دقیق و کارا از سرمایه‌های طبیعی، فیزیکی و دارایی پولی نیز سرآمد است. معنویت، نگرش قوام به مال را در آحاد جامعه پدید می‌آورد.<sup>۱</sup> قوام در به‌کارگیری منابع اقتضا دارد که منابع و موهبت‌های الهی معطل نماند و به بهترین وجه ممکن به‌کار گرفته شود.

تربیت توحیدی در ناحیه مخارج نیز از چند مسیر موجب ارتقای سطح تولید و در نتیجه پیشرفت اقتصادی می‌شود؛ از طریق افزایش تقاضای کالای ضروری به سبب توازن اقتصادی، از طریق الزام سرمایه‌گذاری در واجبات نظامیه (ضرورت‌های جامعه) به عنوان واجب کفایی، و در نهایت، توانمندسازی محرومان و الحاق آنها به جمع تولیدکنندگان، موجب پیشرفت اقتصادی می‌شود.

از سوی دیگر، تربیت توحیدی موجب تحول در ساختارها و نهادهای اجتماعی می‌شود. اصولاً دولت اسلامی «حاکمیت ولی بر پایه مبانی، اصول و ارزش‌های اسلامی برای هدایت جامعه به سمت پیشرفت» است. در یک جامعه معنوی به سبب وجود ضوابط و مقررات دقیق و برگرفته از منبع وحی، سایر نهادها - از جمله بازار - به گونه‌ای تنظیم شده است که پیشرفت اقتصادی از طریق شکوفایی استعدادهای فطری انسان و بروز توانمندی درونی او، به‌منزله حداقل مطلوب، حاصل می‌شود.

### ۲-۳. امنیت و انسجام اجتماعی

مدینه برخلاف مکه، که اکثریت قریب به اتفاق مردم آن را قریش تشکیل می‌داد، با تشمت و به‌هم‌ریختگی اجتماعی و قبیله‌گرایی همراه بود. در هر ناحیه‌ای از جزیره‌العرب گروهی از مردم بر پایه نسبت خانوادگی مشترک به‌عنوان یک قبیله گرد آمده و منطقه حکومتی هر یک منحصر به مکانی بود که در آنجا سکنی گزیده بودند؛ به‌گونه‌ای که حوزه عمل هر قبیله محدود به همان قبیله بود و کاری به قبایل دیگر نداشتند. مسلماً این نوع زندگی در میان اعراب جزیره نشانگر تشمت و پراکندگی آنان بود؛ تشمتی که اعراب را از یکدیگر جدا می‌کرد و عاملی در جهت نفی حکومت مرکزی در جزیره محسوب می‌شد. وجود اختلاف، نشانگر فقدان یک تشکیلات منسجم و روابط و ضوابط واحد در میان گروه‌های مختلفی بود که در آن محیط زندگی می‌کردند.

وقتی در میان مردمی بی فرهنگ و بدون دسترسی به منابع، محدود باشد، وجود جنگ و قتال امری اجتناب‌ناپذیر است. هر گروهی در پی آن است تا زودتر به منطقه‌ای برسد که بتواند در آن چندی به چرای حیوانات خود بپردازد و برای مدتی هرچه بیشتر، بهتر زندگی کند. با وجود محدودیت، اگر قبیله قادر باشد تا چراگاهی را از چنگ دیگری به‌دراورد، چنین کاری را خواهد کرد و برای دیگری راهی جز جنگ یا هجرت از آن محل وجود ندارد.<sup>۱</sup>

نزاع میان قبایل به‌صورت یک سنت جاری در میان عرب درآمده و به‌طور دائم ذهن آنان را به خود مشغول داشته بود. این درگیری‌ها علل متفاوتی داشت. از جمله علل این درگیری‌ها، مقتضیات زندگی طبیعی آنها بود. زندگی در بادیه و ضرورت تغذیه اشام و اغنام اقتضا داشت تا قبیله در مکان‌هایی اقامت گزیند که شرایط از نظر زیستی مساعد باشد.<sup>۲</sup>

رسول خدا ﷺ با تأسیس حکومت و اعمال سیاست‌های لازم، به‌گونه‌ای افراد قبایل را متحد کرد که «وقتی بوسفیان به آنان می‌نگریست، از اینکه قبایل مشتت این‌گونه متحد شده‌اند، شگفت‌زده شده بود».<sup>۳</sup>

#### ۱-۲-۳. تأسیس حکومت

ترکیب جمعیتی و فرهنگی مدینه، رهایی از اقتصاد مبتنی بر زورگویی، جنگ و غارت اموال و رباخواری، ضرورت تشکیل حکومتی مقتدر را نشان می‌داد. پیامبر اکرم ﷺ در چنین وضعیتی حکومت مرکزی قوی همراه با یک مجموعه قدرتمند مردمی - جهادی را تشکیل داد و یکی از اساسی‌ترین زیرساخت‌های اقتصاد، یعنی امنیت را برای عرب جاهلی به‌ارمغان آورد. رسول خدا ﷺ معیارهای ارزشی قبیله‌ای را که عامل تفرقه و تشتت بود، نپذیرفت و با تربیت توحیدی، ایمان و تقوا را به‌جای انگیزه‌های جاهلی در قلوب مردم جایگزین کرد. پیامبر خدا ﷺ به‌گونه‌ای سیاست‌گذاری و تدبیر کرد که ظرف مدتی کوتاه، این مجموعه خشن، متعصب و اعرابی را به امت واحد مبدل کرد. رسول خدا ﷺ مسجد را دارالاماره و مرکز حکومت قرار داد و با پیمان صلح مدینه، اولین قانون اساسی مدون جهان را برای ایجاد انسجام و اداره جامعه تدوین کرد. این سند، اصول روابط خارجی و داخلی دولت نبوی را تبیین می‌کرد. پیامبر اکرم ﷺ با این پیمان، حقوق و وظایف شهروندان را تعیین و حکومتی مردمی تأسیس کردند. حضرت با مردمی‌سازی حاکمیت، هزینه‌های حکومت را بر دوش مردم گذاشت. هزینه جهاد بر عهده خود مسلمانان بود و آنان به‌عنوان افراد ارتش حقوق دریافت نمی‌کردند. رسول خدا ﷺ از طریق تربیت توحیدی، تعصبات قبیله‌ای را زدود و ضوابط و مقررات شرعی را جایگزین فرمود.

۱. ر. ک: جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱، ص ۲۷۴.

۲. ر. ک: حافظ وهبه، جزیره العرب فی قرن عشرين، ص ۱۱.

۳. محمد عبدالحی، کتاب نظام الحکومیة النبویه، ج ۱، ص ۶۴.



## ۲-۲-۳. سیاست عقد اخوت

یکی از مهم‌ترین تدبیرهای پیامبر ﷺ برای رفع مشکل تشمت و زمینه‌سازی برای پیدایش محیط صمیمی و آماده برای فعالیت و سرمایه‌گذاری، عقد اخوت بود. پیامبر ﷺ پیش از هجرت، بین مسلمانان مکه عقد اخوت بست تا در تحمل آزار و اذیت‌های مشرکان و نیز مشکلاتی که در آینده در راه هجرت برای آنان پیش می‌آمد، یاور یکدیگر باشند.<sup>۱</sup> پنج و به‌نقلی هشت ماه<sup>۲</sup> پس از هجرت مسلمانان به مدینه، حضرت به اصحاب خود فرمود: «در راه خدا دوه‌دو با یکدیگر برادر شوید».<sup>۳</sup> این برادری دارای تواتر تاریخی و روایی است.<sup>۴</sup>

اخوتی که در سال نخست هجری برقرار شد، نقش مهمی در روابط میان مسلمانان داشت؛ ولی آنچه اهمیت بیشتری دارد، برادری همهٔ مسلمانان با یکدیگر است که در سال نهم هجری با نزول آیهٔ «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»<sup>۵</sup> بر آن تأکید شد.

افزون بر عقد برادری میان مؤمنان، در پیمان صلح مدینه، رابطهٔ متقابل آحاد مردم مدینه، اعم از اوسی، خزرجی، مسلمان، یهودی، انصار و مهاجر رابطهٔ برادری که صمیمی‌ترین نوع رابطه است، تعریف شد. با این پیمان، اختلاف دیرینهٔ قبایل تبدیل به صلح و محبت و دوستی شد. این پیمان زمینهٔ تبدیل مدینه به امت واحد را فراهم ساخت.

## ۲-۲-۳. پیمان صلح مدینه

حضرت پس از استقرار در مدینه، به ایجاد برادری و تعاون میان اوس و خزرج و میان آنها و مهاجرین اکتفا نفرمود؛ بلکه تلاش کرد تا میان تمام جمعیت مدینه، از مسلم و مشرک و اهل کتاب از یهود، مانند بنی‌قینقاع و بنی‌النضیر و بنی‌قریظه، وحدت پدید آورد.<sup>۶</sup> افزون بر مردان و زنانی که به اسلام گرویده بودند، قبایل و افرادی از جمله یهودیان وجود داشتند که هنوز ایمان نیاورده بودند و ممکن بود موجب تشمت و ناامنی شوند. لازم بود که این مشکل حل شود. پیمان صلح ۴۷ یا ۵۷ ماده‌ای مدینه، از یک سو روابط و مناسبات مسلمانان با غیرمسلمانان مدینه را تنظیم می‌کرد و از سوی دیگر، قواعدی اساسی برای مناسبات میان مسلمان‌ها وضع کرده بود. از این رو پیمان‌نامهٔ مدینه دستورالعملی برای تبیین اصول مناسبات درونی و بیرونی در دولت نوپای اسلامی دانسته می‌شود که منجر به صلحی ماندگار در جامعه شده است. این پیمان از مهم‌ترین اقدامات پیامبر ﷺ در اولین سال هجرت به مدینه است. این سند نخستین قانون اساسی مدون و مکتوب در جهان است. این پیمان علاوه بر متحد کردن مسلمانان،

۱. ر. ک: جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، ج ۳، ص ۳۴۵، اسماعیل بن عمر ابن کثیر دمشقی، البدایة و النهایة، ج ۳، ص ۱۶۹.

۲. حسین دیار بکری، تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۳۵۳.

۳. عبدالملک ابن‌هشام، السیرة النبویه، ج ۱، ص ۵۰۴-۵۰۵؛ نورالدین سمهودی، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی، ج ۱، ص ۲۰۷.

۴. حسین دیار بکری، تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۳۵۳.

۵. حجرات: ۱۰.

۶. هاشم معروف الحسینی، سیرة المصطفی، ص ۲۷۳.

مانع همکاری یهودیان با قریش و دیگر دشمنان اسلام شد. براساس پیمان مدینه، پیامبر ﷺ تنها مرجع حل و فصل اختلافات و اعلام جنگ و صلح در مدینه بود. محصول این پیمان نامه، به نحوی پذیرش حاکمیت پیامبر ﷺ، مشارکت‌دهی وسیع مردم و قبایل در اداره جامعه، تأمین مالی حاکمیت، بیمه افراد و قبایل، تأمین اجتماعی، گسترش عدالت و انصاف، منشور اخلاقی میان مردم و قبایل، و افزایش توان دفاعی افراد و قبایل بود.

### ۳-۳. زیرساخت آموزش عمومی و مهارت‌آموزی

«در نظام نبوی پایه همه چیز، دانستن و ساختن و آگاهی و بیداری است. کسی را کورکورانه به سمتی حرکت نمی‌دهند»<sup>۱</sup>. پیامبر خدا ﷺ آموزش همگانی را در اولویت امور قرار داده بود و نه تنها به آموزش معارف دین توجه داشت، بلکه به آموزش خواندن و نوشتن در مدینه عنایتی خاص داشت. از میان اسیران بدر برخی بودند که نوشتن را خوب می‌دانستند. برخی از آنها پول برای فدیة دادن و آزاد شدن نداشتند؛ از این رو به جای فدیة، آموزش ده جوان برای آزادی آنها مورد قبول قرار گرفت. اینکه آموزش ده کودک از کودکان مسلمان فدیة اسیر باشد، اولین دعوت در تاریخ برای محو بیسوادی است که اسلام پیش از همه امت‌ها بدان اقدام کرده است. پیامبر ﷺ از حکم‌بن سعیدبن عاص سؤال کرد که نامت چیست؟ گفت: حکم. حضرت نام وی را به «عبدالله» تغییر داد و به او فرمان داد که در مدینه نوشتن را آموزش دهد.<sup>۲</sup>

عبادة بن صامت مأمور آموزش قرآن اهل صفه - مکان پشت مسجدالنبی - بود.<sup>۳</sup> نورالدین هیممی نقل می‌کند که روزی رسول خدا ﷺ در ضمن خطبه‌ای فرمود: «چرا بعضی گروه‌ها مسائل شرعی را به همسایگانشان یاد نمی‌دهند؛ آنها را آموزش نمی‌دهند و نصیحت نمی‌کنند؟ به خدا قسم باید گروه‌ها همسایگانشان را تعلیم دهند و مسائل فقهی مورد نیاز آنها را به آنها بیاموزند و آنها را نصیحت و امر به معروف و نهی از منکر کنند».<sup>۴</sup>

کسانی در الترتیب الاداریه فصلی را به افرادی اختصاص می‌دهد که رسول خدا ﷺ برای تعلیم قرآن و تفقه در دین به مناطق مختلف اعزام می‌فرمود. از جمله آنها مصعب بن عمیر بود که حضرت وی را پیش از هجرت، همراه دوازده نفری که در بیعت اول عقبه با حضرت بیعت کردند، برای آموزش قرآن، تعلیم اسلام و تفقه در دین همراه آنها اعزام کرد؛<sup>۵</sup> معاذ بن جبل را به مکه و به نقلی یا در قلمرو زمانی دیگری به یمن، عمرو بن حزم خزرجی نجاری را به نجران اعزام نمود.<sup>۶</sup> همچنین نام بعضی از همسران حضرت، مانند ام سلمه، در میان این افراد ذکر شده است.<sup>۷</sup>

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۳۴.

۲. جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، ج ۳، ص ۱۳۰.

۳. محمدعبدالحی الکتانی، نظام الحکومیة النبویه، ص ۱۰۳.

۴. همان.

۵. ر.ک: محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۰۸؛ محمدعبدالحی الکتانی، نظام الحکومیة النبویه، ج ۱، ص ۱۰۴.

۶. ر. ک: همان، ص ۱۰۵.

۷. ر. ک: همان، ص ۱۰۶.

عبداللہ بن سعید نقل می‌کند که پیامبر اسلام ﷺ به او امر فرمود که نوشتن و کتابت را به مردم مدینه بیاموزد. وی کاتب خوبی بود.<sup>۱</sup> از برخی منابع استفاده می‌شود که در مدینه خانه‌ای را برای قراء قرآن یا مدارس قرآنی اختصاص داده بودند؛ به‌عبارتی مدرسه‌ای برای تلاوت و قرائت قرآن فراهم ساخته بودند.<sup>۲</sup>

رسول خدا ﷺ به زید بن ثابت دستور داد که سرپرستی امور ترجمه و پاسخ‌نامه‌ها را بر عهده گیرد و در این راستا زبان سریانی را بیاموزد.<sup>۳</sup> پیامبر ﷺ به تعلیم حرفه و فن نیز که در انحصار یهودیان بود، اهتمام می‌ورزید. در جای‌جای سنت شریف، پدران و مادران را به آموزش نوشتن، شنا و تیراندازی فرزندان تشویق کرده است.<sup>۴</sup> اعزام معلمان به‌سوی قبایل، به دو صورت انجام می‌گرفت: در بعضی حالات، مانند اعزام ابو‌عیبده بن جراح در پاسخ به درخواست یمنی‌ها، بنا به درخواست نمایندگان قبایل بود؛ و در مواردی، مانند اعزام زید بن ثابت به مدینه، با پیش‌دستی خود حضرت بوده است.

### ۳-۴. جلب مشارکت عمومی و مردم‌بنیانی

آحاد مردم وقتی کنار یکدیگر قرار گیرند، قدرت و صف‌ناپذیری شکل می‌گیرد که قابلیت حل معضلات اقتصادی و اجتماعی را خواهد داشت. طبیعی است که هزینه‌های دفاع در مقابل هجمه‌های مشرکان، هزینه‌های رفع فقر و هزینه‌های دولت اسلامی، تنها با مشارکت گسترده مردم قابل تأمین مالی است.

پیش از هجرت و تأسیس حکومت، حضرت نیروی لازم برای تأسیس حکومت و اداره جامعه را از درون مردم تربیت کرد و زمینه هجرت به مدینه و تأسیس حکومت را فراهم ساخت. نبی مکرم ﷺ وقتی با مهاجران وارد مدینه شدند، حتی مواد غذایی برای مصرف خودشان را نیز همراه نداشتند. پرسش این است که آن حضرت منابع درآمدی دولت اسلامی را چگونه تأمین کردند؟ حضرت با تربیت افراد، آنها را مطیع اوامر الهی کرد؛ سپس به اجرای فرمان الهی فراخواند. با تکیه بر خود مردم و مشارکت حداکثری آنها، حرکت روبه‌پیشرفت را آغاز کرد و در جامعه بدوی آن روز، ظرف مدت کوتاه تحول پدید آورد.

رسول خدا ﷺ پیش از هجرت و در دومین بیعت عقبه، ستاد مردمی مشارکت‌دهی مردم را تشکیل داد. هفتاد یا ۷۳ مرد و دو زن<sup>۵</sup> با رسول خدا ﷺ بر اسلام، طاعت و جهاد بیعت کردند. پیامبر خدا ﷺ از میان آنها نقیبا (نمایندگان رسول خدا ﷺ برای اجرای فرامین الهی) تعیین فرمود و زمینه‌سازی برای هجرت و تشکیل حکومت را فراهم

۱. همان، ص ۱۰۸.

۲. ر. کد همان؛ محمد بن عبوس جهیشاری، الوزراء و الکتاب، ص ۴۰-۴۲.

۳. ر. کد پرویز سعیدی، سازمان اداری و مالی در زمان رسول خدا ﷺ، ۱۷۸-۲۰۱.

۴. همان.

۵. جعفر مرتضی‌عاملی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، ج ۳، ص ۲۱۵.

ساخت. به عبارت دیگر، از میان اصحاب خود که کسانی همچون علی بن ابی طالب علیه السلام بین آنها بود، افرادی را به مدینه برای تدارک مقدمات هجرت اعزام نفرمود؛ بلکه به خود اوسیان و خزرجیان اعتماد کرد و با اعتماد به مردم، زمینه مشارکت آنها را فراهم ساخت. در همان پیمان نامه، هزینه‌های جنگ، هزینه‌های دولت و مخارج رفع فقر و تأمین نیازمندان را بر دوش مردم نهاد<sup>۱</sup> و دولت و محرومین را به قدرت پایدار اقتصادی آحاد مردم وصل کرد.

حضرت در سایر پیمان‌ها، از جمله پیمان عقبه اول، پیمان صلح مدینه و عقد اخوت نیز سیاست جلب بیشتر مشارکت مردم را ادامه داد. مسلمانان مهاجر تمام امکانات خود را درون مکه جا گذاشته بودند و توانستند با خود به مدینه بیاورند. نبی مکرم صلی الله علیه و آله اولین سیاست جدید را با عنوان مواسات عملیاتی کرد و در معاهده مواسات و عقد اخوت، رفع فقر و تأمین مالی نیازمندان را با این سیاست حل و فصل نمود؛ شکاف طبقاتی درآمدی را به حداقل ممکن رساند. البته مقدمات این سیاست، که تربیت توحیدی باشد، پیش از آن فراهم شده بود.

بخش وسیعی از آموزه‌های اسلامی، مانند اخوت، مواسات و تعاون، برای تقویت و تحکیم پیوندهای اجتماعی و پیشگیری و ممانعت از گسستن این پیوندها وارد شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله براساس این بینش، در جامعه نوپسند اسلامی مدینه، تمامی عقده‌ها و کینه‌ها را از دل آنان زدود و در مقابل، بذر محبت را کاشت. در واقع نبی مکرم صلی الله علیه و آله حکومت را به مردم وصل کرد و پیوند وثیقی میان مردم و حاکمیت پدید آورد.

### ۳-۵. توانمندسازی و عدالت‌گستری

عرب پیش از اسلام در نهایت سختی زندگی می‌کرد؛ دختران را زنده‌به‌گور می‌کردند و پسران را به دلیل شدت فقر می‌کشتند. خداوند فرمود: اولاد خود را به سبب فقر یا ترس از فقر نکشید؛ ما آنان را روزی می‌دهیم.<sup>۲</sup> منشأ فقرشان عدم اهتمام به تولید، اعم از کشاورزی، زراعت، باغداری، حفر چاه، لایروبی چشمه‌ها و طلب فضل پنهان خداوند متعال بود. از همین رو در نهایت فقر زندگی می‌کردند. زمانی که آسمان بارانش را دریغ می‌کرد، دختران و پسران را می‌کشتند و مرتکب فجایع می‌شدند.<sup>۳</sup>

در شهر مکه گروهی از اشراف کاروان‌های تجارتنی با ارزش فوق‌العاده‌ای را از منطقه‌ای به منطقه دیگر می‌بردند و در دهک بالای ثروت و درآمد قرار داشتند. دهک پایین را اعراب فقیر و بردگان تشکیل می‌دادند و میانۀ آنان طبقه متوسطی قرار داشتند.<sup>۴</sup> مناسبات اقتصادی نامطلوب سبب محرومیت عده زیادی شده بود. این محرومیت جنبه ارزشی و اجتماعی نیز داشت. سیاهان حبشی و بردگان رومی هیچ موقعیتی نداشتند. آنان علاوه بر جنبه بردگی، در کمال ذلت و در حد یک حیوان در این جامعه می‌زیستند. قرآن کریم در این باره موضع قاطعی

۱. ر. ک: همان، ص ۲۱۶.

۲. انعام: ۱۵۱؛ اسراء: ۳۱.

۳. علی احمدی میبانی، مکاتیب الرسول، ج ۳، ص ۵۳۹.

۴. ر. ک: جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴، ص ۱۲۳.

اتخاذ کرد. خداوند در آیاتی که درباره انبیای گذشته نازل کرده است - و این آیات نوعاً در مکه نازل شده‌اند - ضعفا و محرومان را در کنار انبیا، و اشراف و مترفین را در برابر آنان قرار داده است: <sup>۱</sup> «ما هیچ بیم‌دهنده‌ای به قریه‌ای نفرستادیم، جز آنکه توانگران عیاشش گفتند: ما به آنچه شما را بدان فرستاده‌اند، ایمان نمی‌آوریم؛ و گفتند: اموال و اولاد ما از همه بیشتر است و کسی ما را عذاب نمی‌کند». <sup>۲</sup> مهم‌ترین آثار این آموزه‌ها، گرایش بخش زیادی از طبقه متوسط و پایین به اسلام بود.

رسول خدا ﷺ از همان دوران مکه، به مسلمانان ضعیف بشارت می‌داد که به‌زودی وارث قیصر و کسری خواهند شد. این امر سبب استهزای مشرکان می‌شد و زمانی که بلال و خباب و صهیب را می‌دیدند، به شوخی می‌گفتند: «پادشاهان زمین و فاتحان گنجینه‌های کسری و قیصر رسیدند». <sup>۳</sup> موضع قرآن چنان بود که بی‌اعتنایی به انسان مؤمنی چون ابن‌مکتوم را نیز نمی‌پذیرفت. سیره رسول خدا ﷺ رفاقت و دوستی با فقرا و هم‌نشینی و هم‌غذایی با بردگان بود. خود ایشان می‌فرمود، از جمله چیزهایی که هیچ‌گاه رها نمی‌کند، «غذا خوردن در روی زمین با برده است». <sup>۴</sup> همین سبک رفتار، در جذب آنان بسیار مؤثر بود.

مهم‌ترین آموزه قرآن این بود که معیار برتری را تقوا قرار داد. <sup>۵</sup> بر پایه این معیار، بسیاری از فقیران نیز توانستند از محرومیت ارزشی و اجتماعی‌های یابند و ارزش واقعی خود را در جامعه پیدا کنند. بعدها وقتی عمر حکم ولایت عمار را بر کوفه نوشت، گفت: این کار را پیرو این سخن خداوند انجام داده است که فرمود: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ». <sup>۶</sup> همچنین رسول خدا ﷺ فرمود: «مبعوث شدم تا عده‌ای را بالا برم و گروهی را فروآورم». <sup>۷</sup>

سیره رسول خدا ﷺ فرهنگ‌سازی و توانمندسازی انگیزشی ثروتمندان جامعه برای مشارکت داوطلبانه در به‌عهده گرفتن بار مشکلات اجتماعی، از جمله رسیدگی به‌حال محرومان بود. عمران بن حصین می‌گوید: پیامبر اکرم ﷺ خطبه‌ای نخواند، مگر آنکه در آن، ما را به صدقه امر فرمود. <sup>۸</sup> ابن‌شبه گزارش کاملی از موقوفات پیامبر اکرم ﷺ و یاران ایشان را نقل کرده است. <sup>۹</sup>

۱. ر. کة همان.

۲. سیأ: ۳۲ و ۳۵.

۳. احمدین یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۴۸.

۴. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۵ و ۲۲۰ و ۲۲۵.

۵. حجات: ۱۳.

۶. قصص: ۵۵ احمدین یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۶۳.

۷. محمد ابن‌سعد الطلیقات الکبری، ج ۱، ص ۱۹۲.

۸. عبدالله بن عبدالرحمن دارمی، سنن الدارمی، ج ۱، ص ۴۱۸.

۹. عبدالله ابن‌شبه نمیری بصری، تاریخ المدینة المنوره، شبه، ج ۱، ص ۱۷۳-۲۳۱.

سیره شخصی آن حضرت در دستگیری از فقیران و کمک به هم‌نوعان و هم‌چنین موضوع ایثار و انفاق خاندان پاک ایشان در این مسئله بر کسی پوشیده نیست. اهمیت رسیدگی به وضعیت معیشتی فقرا در نظر پیامبر اسلام ﷺ به‌حدی است که می‌فرمایند: هر منطقه‌ای که در میانشان شخص گرسنه‌ای باشد، از ذمه خداوند متعال خارج‌اند.<sup>۱</sup> نقل شده است گوسفندی را در خانه پیامبر ﷺ ذبح کردند و گوشت آن را به دیگران دادند. حضرت از عایشه پرسید: «چیزی از آن مانده است؟» وی پاسخ داد: چیزی جز کتف (سردست) آن باقی نمانده است. حضرت فرمود: بجز سردستش، همه آن باقی مانده است!<sup>۲</sup> امیرالمؤمنین ﷺ یک درهم پول در کف دست خود گذاشت؛ آنگاه گفت: اما تو (ای درهم!) اگر از (دست) من خارج نشوی، سودی و نفعی برای من نداری.<sup>۳</sup>

پیامبر اکرم ﷺ در سایه این تربیت قرآنی، محبت و انفاق بر فقرا و جلب مشارکت آنها در امور اجتماعی را وسیله موفقیت خود قرار می‌داد و با دعای فقرا از خداوند متعال طلب فتح و ظفر می‌کرد؛ به این دلیل که فقرا دل شکسته‌اند و در نتیجه در معرض تعرض اجابت قرار دارند.<sup>۴</sup>

گزارش‌های تاریخی حاکی از ریشه‌کنی کامل فقر در برخی مقاطع و مناطق، و کاهش آن در دوره تاریخی صدر اسلام است.<sup>۵</sup>

رسول خدا ﷺ رضایت خود از چنین عملی را با بازگو کردن سنت رایج درباره گروهی موسوم به اشعریون چنین بیان می‌فرماید: «هرگاه یکی از اشعریین در جنگی کشته می‌شد یا خانواده آنان دچار کمبود مواد غذایی می‌شدند، همه آنها می‌رفتند و هرچه مواد غذایی را در منزل داشتند، با خود می‌آوردند؛ بر روی هم می‌انباشتند و سپس با پیمانه واحدی آن را میان همه تقسیم می‌کردند». حضرت می‌فرمودند: «آنان از من و من از آنانم».<sup>۶</sup> این تربیت‌ها روابط انسانی بین مهاجرین و انصار را به‌قدری عمق بخشید که در سال چهارم هجری، به‌هنگام تقسیم اموال و زمین‌های بنی‌نضیر، انصار به رسول خدا ﷺ پیشنهاد دادند که غنایم را فقط میان مهاجرین تقسیم کند؛ بدون آنکه آنها ملزم به ترک منازل انصار شوند.

به‌برکت برنامه‌های صحیح اقتصادی آن حضرت، وضعیت همه مهاجرین بهبود پیدا کرد؛ به‌گونه‌ای که در اواخر سال‌های عمر پربرکت ایشان، همگی مسکن، شغل و وضعیت رفاهی مناسبی پیدا کردند.<sup>۷</sup>

۱. اکرم ضیاء العمری، السیره النبوی الصحیحه، ج ۱، ص ۲۹۴.

۲. محمدبن عیسی ترمذی، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۶۴۴ ح ۲۴۷۰.

۳. ملامهدی نراقی، معراج السعاده، ج ۲، ص ۵۱.

۴. عبدالله بن سعید لحنی، منتهی السؤل علی وسائل الوصول الی شمائل الرسول، ج ۲، ص ۶۱۵؛ محمودین عمر زمخشری، الفائق فی غریب الحدیث، ج ۳، ص ۴.

۵. ر.ک: سیدرضا حسینی، الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب، ص ۵۵-۵۹.

۶. ر.ک: یوسف قرضاوی، نقش ارزش‌ها و اخلاق در ارتباط با اقتصاد اسلامی، ص ۵۵۲.

۷. ر.ک: سیدکاظم صدر، اقتصاد صدر اسلام، ص ۴۴.

#### ۴. زیرساخت‌های بخش‌های اقتصادی

زیرساخت‌هایی مانند تربیت توحیدی، امنیت، عدالت، مردمی‌سازی و دانش‌بنیانی، زیرساخت‌های عام پیشرفت در همه ابعاد، از جمله رشد اقتصادی هستند. افزون بر زیرساخت‌های عام پیشرفت، حضرت سیاست‌هایی نیز در زیرساخت‌های بخش‌های اقتصادی اعمال فرمودند که می‌تواند برای سیاست‌گذاری در موقعیت فعلی کشور درس آموز باشد.

##### ۴-۱. کشاورزی

کشاورزی در آن روزگار، به‌ویژه در مدینه، مهم‌ترین رکن اقتصادی جامعه بود. مردمان حجاز زندگی خود را با محصولات کشاورزی و دامی می‌گذراندند. تجارت و تا حدودی صنعت، رایج بود؛ ولی در مقایسه با کشاورزی بسیار ناچیز بود.

از سویی، فرهنگ قبیله‌ای جاهلیت که نشئت گرفته از ظلمت و ظلم بود و جنگ‌های میان قبیله‌ای و منازعه‌های آنان، حجاز را به سرزمین تفتیده و خشکی مبدل ساخته بود که کشاورزی را به کمترین اندازه ممکن رسانده بود. به‌طور طبیعی نزاع‌ها و جنگ‌های قبیله‌های مختلف به غارت محصولات، دام‌ها و آتش کشیدن مزارع و نخلستان‌ها منتهی می‌شد و اینها و جز اینها امنیت و آرامش را از کشاورزان به‌گونه‌ای سلب می‌کرد و در نتیجه اقتصاد جامعه و اشتغال عموم مردم، به‌ویژه در بخش کشاورزی، در حالت جنگی، یعنی بدترین حالت قرار داشت.

این حدیث شریف نبوی نحوه نگرش حکمرانی حضرت به کشاورزی را به‌خوبی نشان می‌دهد: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَعْرِسُ عَرْسًا أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا فَيَأْكُلُ مِنْهُ إِنْسَانٌ أَوْ طَيْرٌ أَوْ بَيْهَمَةٌ إِلَّا كَأَنَّهُ لَبِهَ صَدَقَةٍ»<sup>۱</sup>. در برخی اسناد، «أَوْ سَعِجٌ» هم آمده است؛<sup>۲</sup> یعنی مسلمانی نیست که نهالی عرس کند یا زرعی کشت کند و به‌دنبال آن پرنده‌ای، انسانی یا چهارپایی (یا درنده‌ای) از آن بخورد، مگر اینکه این، صدقه (جاریه) برای او باشد.

یک باب روایی در *وسائل الشیعه*، همچنین در *مستدرک وسائل الشیعه* با عنوان «باب مستحب بودن نهال کاری و کراهت فروش محل کسب و کار» وجود دارد.<sup>۳</sup> نگاه جاهلی به درخت، که با یک درگیری همه به آتش کشیده می‌شد، به باقیات‌الصالحات و صدقه جاریه بودن درخت تغییر کرد و درخت منشأ خیر و برکت برای انسان‌ها، بلکه پرندگان، چرندگان و حتی درندگان دانسته شد. به‌طور طبیعی این نگرش جدید، تحول اساسی در فرهنگ مردم در خصوص زمین و ملک و درخت و زراعت پدید می‌آورد و زمینه رشد بخش کشاورزی می‌شود.

۱. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۷۰۷.

۲. محمودین عمر زمخشری، الفائق فی غریب الحدیث، ج ۲، ص ۳۷۸.

۳. حسین محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، ص ۴۵۹.

پیامبر اکرم ﷺ زمین‌ها و منابع طبیعی را به مردم واگذار کردند و خود مراقبت و نظارت می‌کردند تا مردم به کشاورزی، باغداری و دامداری اشتغال یابند. از این رو پس از آنکه مسجدالنبی را بنیان‌گذاری کردند، برای مهاجران مکه که برای یاری آن حضرت آمده بودند، از زمین‌های معینی اقطاع کرد تا کشاورزی کنند و زمین‌هایی را نیز به آنان اعطا کرد تا برای خود خانه بسازند.<sup>۱</sup> مخیرق، عالم یهودی، وصیت کرد اموالش (حواطی هفت‌گانه) در اختیار رسول خدا ﷺ قرار گیرد که مشربۀ ام/براهیم هم جزء این حواطی بود و حضرت همه را وقف کرد.<sup>۲</sup> همچنین حضرت سه قلعه از هشت قلعه خیر را وقف و بقیه را میان مجاهدان توزیع فرمود.<sup>۳</sup>

براساس اسناد و مدارک، اولین شرطی که حضرت برای واگذاری و اقطاع زمین یا سایر منابع طبیعی و ثروت‌های اولیه داشتند، صدق در اسلام و ایمان بود. دومین شرطی که به‌طور مکرر در واگذاری زمین‌های موات به شخص یا اشخاص یا یک قبیله ذکر شده، اصلاح و آبادانی آن زمین بود.<sup>۴</sup>

## ۲-۴. سیاست‌های رسول خدا ﷺ درباره زمین

زمین و آب، سرمایه اصلی کشاورزی است. بازگشت بازده سرمایه به کشاورز و مالکیت کل محصول، نقش بالایی در انگیزه کاری و ارتقای بهره‌وری دارد. واگذاری زمین در اصطلاح فقهی، «قطاع» نامیده می‌شود که در حد گسترده‌ای به وسیله رسول خدا ﷺ انجام شد.<sup>۵</sup> نکته مهم اینکه حضرت به «مقطع‌الیه» سند با مهر و امضا اعطا می‌فرمود؛ به گونه‌ای که او با اطمینان و خیال راحت در آن زمین سرمایه‌گذاری کند و برای آبادی آن بکوشد و بداند که هر مقدار در آن هزینه و تلاش کند، برای خود و خانواده‌اش در قالب یک سرمایه مطمئن باقی خواهد ماند. برای نمونه، به چند مورد از این واگذاری‌ها اشاره می‌شود:

– حضرت دره‌ای در مدینه را به حرام‌بن عبدعوف از قبیله بنی‌سلیم واگذار فرمود و در پایان سند این واگذاری، بر پرهیز از هرگونه ستم و عدالت تأکید نمود.<sup>۶</sup> نگاه‌علوم انسانی و مطالعات فقهی

– همه زمین‌های شواق – دویست کیلومتری جده – بالا و پایین آن را به زبیربن عوام واگذار کرد و سند آن با دست‌خط امیرمؤمنان علی ﷺ نوشته شد.<sup>۷</sup>

۱. ر.ک: احمدبن یحیی بلادری، فتوح البلبان، ج ۱، ص ۲۳، ۳۰، ۴۴، ۴۸، ۹۳، ۹۸؛ علی احمدی میانجی، مکاتب الرسول، ج ۳، ص ۳۳۹ و ۵۴۰.

۲. ر.ک: احمدبن علی ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۶ ص ۴۶؛ علی‌بن محمد ماوردی، الاحکام السلطانیه، ص ۱۶۹.

۳. علی‌بن محمد ماوردی، الاحکام السلطانیه، ص ۱۶۹.

۴. ر.ک: سیدعلی حسینی، احکام حکومتی رسول خدا ﷺ در اقتصاد کشاورزی، ص ۱۲۹ و ۱۳۰.

۵. یعقوب‌بن ابراهیم ابویوسف، کتاب الخراج، ص ۶۲-۶۸.

۶. محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۱۰؛ محمد حمیدالله، پیمان‌های سیاسی حضرت محمد ﷺ و اسناد صدر اسلام، ص ۳۷۰.

۷. محمد ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۷۴؛ یعقوب‌بن ابراهیم ابویوسف، کتاب الخراج، ص ۳۴؛ موسی زنجانی، مدینه البلاغه، ج ۲، ص ۳۱۹؛ علی احمدی میانجی، مکاتب الرسول،



- ۱- همه زمین و آب منطقه «مظله» را به بنی قریه واگذار فرمود.<sup>۱</sup>
- ۲- معادن قبلیه و آن دسته از زمین‌های کوهستان «قدس» را که قابل کشت بود، به بلال بن حارث مزنی واگذار کرد.<sup>۲</sup>
- ۳- در برخی مناطق، حضرت افزون بر زمین و مزرعه، زنبورهای عسل آن منطقه را نیز واگذار فرمودند.<sup>۳</sup>
- ۴- آن حضرت عقیق یمامه را که دارای درختان و چشمه‌های بسیار بود، به ربیع، مُطَرَف و انیس به اقطاع داد.<sup>۴</sup>
- ۵- زمین‌های مختلف و متعددی را به عوسجه بن حرمه - که طبق فرمان آن حضرت رهبری هزار تن از بنی جهینه به او سپرده شده بود - واگذار کرد تا از این زمین‌ها برای خود و نیروی تحت امرش بهره برد.<sup>۵</sup>
- ۶- حضرت زمینی را با حدودی معین از زمین‌های «برهاط» به راشدین عبد رب سَلْمی واگذار کرد.<sup>۶</sup>
- ۷- زمینی را به بنی‌اجب در منطقه فاس یا حالس واگذار کرد.<sup>۷</sup>
- ۸- همه زمین‌های جفر را که در اطراف مدینه قرار دارد و چاه آب آن را به هونده بن نبیسه واگذار کرد.<sup>۸</sup>
- ۹- منطقه یا چاه آب محدب را به عبدالله بن ابی قمامه و وقاص بن ابی قمامه واگذار کرد.<sup>۹</sup>
- ۱۰- زمینی را به سلمه بن مالک به اقطاع واگذار کرد.<sup>۱۰</sup>
- ۱۱- زمین‌ها و درختان کوه ارم را به فرزندان جفال بن ربیع و واگذار کرد. زمین‌های مابین مصباعه تا النح و لوايه را به عداه بن خالد واگذار کرد.<sup>۱۱</sup>
- ۱۲- حضرت زمین‌های عوره، غرابه و حبل را به مجاعه بن صراره واگذار کرد.<sup>۱۲</sup>

- 
۱. موسی زنجانی، مدینه البلاغه، ج ۲، ص ۳۰۴؛ محمد بن سعد الطبیقات الکبری، ج ۱، ص ۱۶۷؛ علی احمدی میانجی، مکاتب الرسول، ج ۳، ص ۴۷۲.
۲. محمد بن حسن طوسی، المیسوط فی فقه الامامیه، ج ۲، ص ۲۷۴؛ علی احمدی میانجی، مکاتب الرسول، ج ۳، ص ۴۹۲.
۳. محمد حمیدالله، پیمان‌های سیاسی حضرت محمد ﷺ و اسناد صدر اسلام، ص ۳۲۴؛ موسی زنجانی، مدینه البلاغه، ج ۲، ص ۳۱۴.
۴. موسی زنجانی، مدینه البلاغه، ج ۲، ص ۲۹۴؛ محمد بن سعد، الطبیقات الکبری، ج ۱، ص ۳۰۲؛ علی احمدی میانجی، مکاتب الرسول، ج ۳، ص ۵۰۴.
۵. یاقوب بن عبدالله حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۵۸؛ موسی زنجانی، مدینه البلاغه، ج ۲، ص ۳۱۲؛ یعقوب بن ابراهیم ابویوسف، کتاب الخراج، ص ۶۲؛ محمد بن سعد الطبیقات الکبری، ج ۱، ص ۲۷۱؛ علی احمدی میانجی، مکاتب الرسول، ج ۳، ص ۴۸۲.
۶. محمد بن سعد، الطبیقات الکبری، ج ۱، ص ۲۷۴؛ علی احمدی میانجی، مکاتب الرسول؛ موسی زنجانی، مدینه البلاغه، ج ۲، ص ۴۳۶؛ محمد حمیدالله، پیمان‌های سیاسی حضرت محمد ﷺ و اسناد صدر اسلام، ج ۲، ص ۴۳۶.
۷. محمد بن سعد، الطبیقات الکبری، ج ۱، ص ۲۷۳؛ یاقوب بن عبدالله حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۹۹؛ موسی زنجانی، مدینه البلاغه، ج ۲، ص ۲۱۸؛ علی احمدی میانجی، مکاتب الرسول، ج ۳، ص ۴۴۰.
۸. علی احمدی میانجی، مکاتب الرسول، ج ۳، ص ۴۲۳.
۹. مبارک بن محمد ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۳، ص ۴۴۳؛ علی احمدی میانجی، مکاتب الرسول، ج ۳، ص ۴۴۳؛ محمد حمیدالله، پیمان‌های سیاسی حضرت محمد ﷺ و اسناد صدر اسلام، ص ۳۶۶.
۱۰. موسی زنجانی، مدینه البلاغه، ج ۲، ص ۳۱۶.
۱۱. محمد حمیدالله، پیمان‌های سیاسی حضرت محمد ﷺ و اسناد صدر اسلام، ص ۲۷۸؛ علی احمدی میانجی، مکاتب الرسول، ج ۳، ص ۴۵۲.
۱۲. قاسم بن سلام ابی عبید الاموال، ص ۲۹۶؛ حسام‌الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۳، ص ۵۱۹؛ موسی زنجانی، مدینه البلاغه، ج ۲، ص ۲۵۷؛ علی احمدی میانجی، مکاتب الرسول، ج ۳، ص ۴۵۲.

همان طور که اشاره شد، رسول خدا ﷺ به اقطاع‌های گسترده‌ای دست زد.<sup>۱</sup> این اقطاع‌ها به تفصیل در منابع فقهی و روایی شیعه و سنی آمده‌اند<sup>۲</sup> که ذکر آنها در این مقاله نمی‌گنجد.<sup>۳</sup>

### ۳-۴. صنعت

صنایع رایج در زمان رسول خدا ﷺ بیشتر مانند سبذبافی، حصیربافی،<sup>۴</sup> ریسمان‌بافی با پشم گوسفند و پوست درخت خرما،<sup>۵</sup> صنایع پستی‌بخش کشاورزی بود. از آنجا که زرگری عمدتاً شغل یهود بود و آنها به دروغ‌گویی و فریب‌کاری معروف بودند، این صنعت جایگاه چندانی نزد اهل مدینه نداشت.<sup>۶</sup> در مقابل، آهنگری و صناعی که بر پایه ذوب سنگ‌ها و فلزات استوار بود، مانند اسلحه‌سازی، اعم از کمان، سرنیزه و شمشیر، بسیار رواج داشت و از اعتبار لازم برخوردار بود. حضرت فرزند خود را برای شیرخواری نزد دایه‌ای به نام /مسیف فرستاد که همسر آهنگری به نام /بوسیف در مدینه بود.<sup>۷</sup> تیرهایی که در مدینه ساخته می‌شد، به دلیل کیفیت، شهره بود.<sup>۸</sup> همچنین آهنگران ابزار کشاورزی مانند تبر و وسیله شخم زدن تولید می‌کردند.<sup>۹</sup> گرچه پارچه و لباس مدینه از یمن، شام و سایر مناطق به صورت بافته شده به مدینه می‌آمد،<sup>۱۰</sup> ولی بافتندگی به صورت محدود در مدینه توسط زنان در درون خانه‌ها رواج داشت.<sup>۱۱</sup> نجاری، بنایی و دباغی نیز از حرفه‌ها و صناعی بود که در مدینه رایج بود. عرب جاهلی اقبالی به صنعت نداشت و آن را شغل بردگان می‌دانست و رسول خدا ﷺ آن را توسعه داد و با این نگاه مقابله کرد.<sup>۱۲</sup>

کنانی استخراج معدن طلا را عنوان داده و به صورت مبهم از /بوحصین /السمی نقل کرده است که خدمت رسول خدا ﷺ رسید و معدن طلائی را خدمت حضرت عرضه داشت.<sup>۱۳</sup> وجود برخی معادن، مانند طلا، نقره، آهن و مس در عربستان گزارش شده است. آنان گاه از آهن، شمشیر و خنجر یا دیگر مصنوعات را می‌ساختند. در یمن،

۱. یعقوب بن ابراهیم ابویوسف، کتاب الخراج، ص ۶۲-۶۸

۲. رک: علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۳، ص ۴۹۱؛ سیدمحمدجواد حسینی عاملی، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، ج ۷، ص ۴۸.

۳. ر. ک: سیدعلی حسینی، احکام حکومتی رسول خدا ﷺ در اقتصاد کشاورزی، ص ۱۱۹-۱۴۲.

۴. محمدعبدالحی کنانی، نظام الحکومیة النبویه، ص ۹۲؛ شهلا بختیاری، وضع اقتصادی مدینه در عهد نبوی، ص ۱۷۸.

۵. محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ص ۳۹۱.

۶. محمدبن عمر واقدی، مغازی رسول الله، ص ۷۵-۷۳ و ۱۷۶-۷۹.

۷. علی بن محمد ابن اثیر، اسدالغابه فی معرفة الصحابه، ص ۳۸-۳۹؛ احمدبن علی ابن حجر عسقلانی، الاصابة فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۹۸.

۸. یاقوت بن عبدالله حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۴۳۰-۴۳۱.

۹. محمدبن عمر واقدی، مغازی رسول الله، ص ۱۲۸-۱۴۰.

۱۰. محمدعبدالحی کنانی، نظام الحکومیة النبویه، ص ۱۵۹.

۱۱. محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ص ۴۵۴.

۱۲. رک: جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۷، ص ۳۸۸ و ۴۱۶.

۱۳. محمدعبدالحی کنانی، نظام الحکومیة النبویه، ج ۲، ص ۳۹.

استخراج معادن رونق زیادی داشت.<sup>۱</sup> صنعت چوب به علت کمبود جنگل‌ها و درختان رونقی نداشت؛ از این رو قریش برای تأمین چوب موردنیاز برای تجدید بنای کعبه در سال ۳۵ عام‌القیل، چوب‌هایی را که یک کشتی رومی برای ساختن کنیسه‌ای در حبشه حمل می‌کرد و باد آن کشتی را به ساحل آورده بود، خریداری کرد.<sup>۲</sup>

#### ۴-۴. بازار و فضای کسب‌وکار

تجارت پیش از دورهٔ زندگانی هاشم (جد پیامبر اکرم ﷺ) شکل منظم نداشت و او بود که سفرهای زمستانی به یمن و سفرهای تابستانی به شام را ترویج کرد:

هو الذی سنَّ الرِّحیلَ لِقَوْمِهِ رَحَلَ الشِّتَاءِ وَ رَحَلَةَ الْأَصِيَّافِ<sup>۳</sup>

او کسی است که سفرهای تابستانی و زمستانی را برای قوم خود سنت کرد.

نقل شده است که او برای ایمنی کاروان‌های تجاری در مسیر شام، امان‌نامه‌ای از قیصر دریافت کرد. بنا بر روایتی از عبدالله بن عباس، پیش از حرکت این کاروان‌ها، قریش در فقر به سر می‌برد و هاشم بود که آنها را جمع کرد تا به تجارت بپردازند. در قرآن کریم، در سورهٔ قریش به این سفرها و پیمان‌های میان قریش و حکومت‌های اطراف اشاره شده است.<sup>۴</sup>

رسول خدا ﷺ نیز در برهه‌ای از دوران عمر شریفشان تاجر بودند و خرید و فروش می‌کردند؛ تاجایی که مشرکان گفتند: این چه پیامبری است که «یمنی فی الاسواق»<sup>۵</sup> شواهد نشان می‌دهد که حضرت در همان روزهای اول هجرت به مدینه، دغدغهٔ فضای کسب‌وکار و بازار را داشتند. به همین دلیل در روایات آمده است که حضرت به سوق نبیط رفتند؛ تأملی در آن کردند و سپس فرمودند: «این بازار مناسب شما نیست»؛ سپس به فضای کسب‌وکار دیگر رفتند؛ مجدد در آن تأمل کردند و فرمودند: «این بازار مناسب شما نیست»؛ سرانجام به این بازار آمدند؛ گردش در آن کردند؛ سپس فرمودند: «هذا سوقکم»؛ این بازار مناسب شماست؛ و دو سیاست را وضع کردند: «فلا ینتقص» از مساحت آن کم نمی‌شود؛ «و لایصرب علیکم خراج» مالیات بر آن بسته نمی‌شود.<sup>۶</sup>

در نقلی دیگر آمده است: فردی نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: مکان مناسبی برای بازار یافتم. آیا سرکشی نمی‌فرمایید؟ حضرت فرمودند: برویم. حضرت با او همراه شدند. وقتی به مکان موردنظر - نزدیکی مسجدالنبی سمت بقیع - رسیدند، حضرت مکان را مشاهده کرد و به خوبی پسندید. توشهٔ همراهشان را بر زمین گذاشتند و

۱. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۷، ص ۳۹۲-۴۰۱.

۲. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۲۱۸.

۳. علی بن حسین سیدمرتضی، الامالی، ج ۴، ص ۱۸۰.

۴. «لِإِیَّافِ قُرَیْشٍ إِیَّافِهِمْ رَحَلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّیْفِ» (قریش: ۳-۱).

۵. فرقان: ۷۰.

۶. محمدبن یزید ابن‌ماجه، سنن ابن‌ماجه، ج ۲، ص ۷۵۱.

فرمودند: خوب فضای بازاری برای شماست: «فلا یتقص و لایضرب علیکم خراج»؛ نه کم گذاشته شود و نه خراج (مالیات) بر آن بسته شود.<sup>۱</sup>

قرن‌ها پیش از ارائه نظریه بازار رقابت کامل، مجموعه آیات مربوط به قوانین و ضوابط منسجم تولید، مصرف و تجارت، و به اصطلاح فضای کسب‌وکار، توسط فرشته وحی بر قلب نازنین رسول خدا ﷺ نازل و توسط حضرت در مسجدالنبی برای عوامل بازار ارائه و تبیین و تفسیر شده است. این ضوابط، نه تنها رفتار انسان اقتصادی، که ساختار فضای کسب‌وکار، نهاد بازار و حتی مکان فیزیکی آن را متأثر ساخت.

## نتیجه‌گیری

بخش بزرگی از ارتباطات و تعاملات مردم را تعاملات اقتصادی تشکیل می‌دهد. طبیعی است که هدایت و سیاست‌گذاری اقتصادی، اگر از برنامه قرارگاه رسالت حذف شود، هدایتگری مفهوم واقعی خود را از دست خواهد داد. بنابراین، هدایت و سیاست‌گذاری اقتصادی از الزامات قرارگاه رسالت و کتاب هدایت است. بهترین دلیل بر حضور رسول خدا ﷺ در صحنه سیاست‌گذاری اقتصادی، تبیین مستدل و شفاف سیاست‌های اقتصادی ایشان است. قرارگاه رسالت، قرارگاه هدایت، سیاست‌گذاری و نظارت است و هدایت جامعه، به سمت حیات طیبه و سرانجام قرب ربوبی است. سیره رسول خدا ﷺ نشان می‌دهد که حضرت نه تنها به مباحث اقتصادی ورود پیدا کردند، بلکه کارآمدترین تدبیرها را انجام دادند.

پایه‌ای‌ترین زیرساخت پیشرفت به معنای عام آن، تعمیق ارزش‌های اسلامی است که زمینه‌ساز تربیت توحیدی است. به همین دلیل، تربیت توحیدی سیاست ثابت و مستمر رسول خدا ﷺ از ابتدا تا انتهای عمر شریفشان بود. تأمین زیرساخت‌های مرحله بعدی، اعم از امنیت، آموزش عمومی، عدالت و مردمی‌سازی، از جمله زیرساخت‌های پیشرفت در ابعاد مختلف است که یکی از این ابعاد، رشد اقتصادی است و رسول خدا ﷺ در دولت صدر اسلام اعمال فرمودند. پیامبر اکرم ﷺ حکومت مرکزی قوی همراه با یک مجموعه قدرتمند مردمی - جهادی تشکیل دادند و یکی از اساسی‌ترین زیرساخت‌های پیشرفت و رشد اقتصادی، یعنی امنیت را برای عرب جاهلی به‌ارمغان آوردند؛ آموزش عمومی را گسترش دادند؛ در زیرساخت بخش‌های اقتصادی و ضوابط فضای کسب‌وکار تحول اساسی پدید آوردند و از سیاست‌های حمایتی، مالی و نظارتی درباره بازار و سیاست‌های واگذاری زمین و آب در حوزه کشاورزی برای رونق تولید بهره‌گرفتند. گزارش‌های تاریخی حاکی از تحول اساسی در زندگی مردم است. این سیاست‌ها و نظارت مستمر موجب شد که یثرب ضعیف به مدینه‌النبی و قدرت اول منطقه تبدیل شود و فقر از جزیره‌العرب بدوی در مدت کوتاه رخت بریند و به پیشرفت خیره‌کننده‌ای دست یابد.

۱. نورالدین سمهودی، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى، ج ۲، ص ۲۴۸؛ نورالدین هبشی، مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۷۶.

## منابع

- ابن اثیر، علی بن محمد، *اسد الغابه فی معرفة الصحابه*، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۲ق.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد، *النهاية فی غریب الحديث والأثر*، تصحیح محمود محمد طنحی و طاهر احمد زاوی، چ چهارم، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *الاصابة فی تمييز الصحابه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ابن سعد، محمد، *الطبقات الكبرى*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
- ابن شبه نمبری بصری، عبدالله، *تاریخ المدينة المنوره*، تحقیق فهیم محمد شلتوت، قم، دارالفکر، ۱۳۶۸.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، *البدایة و النهایة*، بیروت، دارالفکر، ۱۹۷۸م.
- ابن ماجه، محمد بن یزید، *سنن ابن ماجه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۵ق.
- ابن هشام، عبدالملک بن، *السیرة النبویه*، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
- ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم، *کتاب الخراج*، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
- ابی عبید، قاسم بن سلام، *الاموال*، قاهره، دارالسلام، ۱۴۳۰ق.
- احمدی میانجی، علی، *مکاتیب الرسول*، قم، دار الحديث، ۱۴۱۹ق.
- بختیاری، شهلا، «وضع اقتصادی مدینه در عهد نبوی»، *تاریخ اسلام*، ۱۳۸۴، ش ۲۳، ص ۱۶۱-۱۹۶.
- بلادری، احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۹۸م.
- \_\_\_\_\_، *انساب الأشراف*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق.
- پابنده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحه*، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲.
- ترمذی، محمد بن عیسی، *سنن الترمذی*، تحقیق احمد محمدشاکر، بیروت، دار احیاء التراث، بی تا.
- جمعی از نویسندگان، *منشور جمهوری اسلامی ایران*، قم، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۱.
- جهشپوری، محمد بن عبدوس، *الوزراء و الكتاب*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ق.
- حافظ وهبه، *جزیره العرب فی قرن عشیرین*، قاهره، دار الافاق العربیه، ۱۳۵۴ق.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، *انسان ۲۵۰ ساله*، تهران، صهبا، ۱۳۹۰.
- حسینی عاملی، سیدمحمدجواد، *مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلامه*، قم، مؤسسه آل‌البتیت، بی تا.
- حسینی، سیدرضا، *الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
- حسینی، سیدعلی، «احکام حکومتی رسول خدا ﷺ در اقتصاد کشاورزی»، *معرفة اقتصاد اسلامی*، ۱۳۹۳، ش ۹، ص ۱۱۹-۱۴۲.
- حلبی شافعی، ابوالفرج، *السیرة الحلبیه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۷ق.
- حموی، یاقوت بن عبدالله، *معجم البلدان*، بیروت، دارالفکر، ۱۹۵۷م.
- حمیدالله، محمد، *پیمان‌های سیاسی حضرت محمد ﷺ و اسناد صدر اسلام*، ترجمه سیدمحمد حسینی، تهران، سروش، ۱۳۷۷.
- دافدر، سجاد و روح‌الله بهرامی، ۱۴۰۰، «راهبردهای اقتصادی حکومت نبوی در مدینه‌النبی»، *مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، دوره چهارم، ش ۱، ص ۳۰۵-۲۶۵.
- دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، *سنن الدارمی*، تحقیق مصطفی دیب البغا، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
- دیار بکری، حسین، *تاریخ الخمیس*، بیروت، دار صادر بی تا.
- رجبی دوانی، محمدحسین، ۱۳۹۳، «بررسی تاریخی دفاع اقتصادی از صدر اسلام تاکنون»، در: *همایش نقش پدافند اقتصادی در اقتصاد مقاومتی*.
- زمخشیری، محمود بن عمر، *الفائق فی غریب الحديث*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.

زنجانی، موسی، *مدینه البلاغه*، بی‌جا، مطبعه مروی، ۱۴۰۵ق.

سعیدی، پرویز، «سازمان اداری و مالی در زمان رسول خدا»، *حکومت اسلامی*، ۱۳۸۲، ش ۳۰، ص ۱۷۸-۲۰۱.  
سمهودی، نورالدین، *وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۶م.

سید مرتضی، علی بن حسین، *الامالی*، بیروت، دارالفکر العربی، ۱۹۹۸م.

سیدحسین زاده یزدی، سعید و محمدجواد شریفزاده، ۱۳۹۵، «سیره پیامبر اکرم» در مقابله با تهدیدهای اقتصادی»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۶۲ ص ۳۱-۵.

شریفی، صدیقه و همکاران، ۱۳۹۶، «تبیین راهبردهای اقتصاد مقاومتی در سیره پیامبر اکرم»، *مطالعات مدیریت راهبردی*، ش ۳۲، ص ۱۳۷-۱۸۱.

صدر، سیدکاظم، *اقتصاد صدر اسلام*، چ دوم، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.

ضیاء العمری، اکرم، *السیره النبوی الصحیحة*، چ ششم، مدینه منوره، مکتبه العلوم والحکم، ۱۴۱۵ق.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ دوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.

—، *سنن النبی*، ترجمه و تحقیق محمدهادی فقهی، تهران، اسلامیة، ۱۳۵۴.

طبرسی، فضل بن حسن، *اعلام الوری باعلام الهدی*، قم، مؤسسه آل‌البتی، ۱۴۱۷ق.

طوسی، محمدبن حسن، *المبسوط فی فقه الامامیه*، تصحیح سیدمحمدتقی کشفی، چ سوم، تهران، المکتبه المرتضویة لاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ق.

عاملی، جعفر مرتضی، *الصحیح من سیره النبی الاعظم*، قم، دارالحديث، ۱۴۲۶ق.

علی، جواد، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام*، بیروت، دارالساقی، ۱۴۲۲ق.

قرضاوی، یوسف، *نقش ارزش‌ها و اخلاق در ارتباط با اقتصاد اسلامی*، ترجمه عبدالعزیز سلیمی، قم، احسان، ۱۳۹۰.

کنانی، محمدعبدالحی، *نظام الحکومیة النبویه*، بیروت، دار الارفم بن ارفم، بی‌تا.

کلینی، محمدبن یعقوب، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.

لحجی، عبدالله بن سعید، *منتهی السؤل علی وسائل الوصول إلى شمائل الرسول*، جده، دارالمنهاج، بی‌تا.

ماوردی، علی بن محمد، *الاحکام السلطانیة*، مکه، دارالتعاون للنشر و التوزیع، ۱۹۶۶م.

متقی هندی، حسام‌الدین، *کنز العمال*، بیروت، مکتبه التراث الاسلامی، ۱۴۱۰ق.

مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

محدث نوری، حسین، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل‌البتی، ۱۴۰۸ق.

مرسل‌پور، محسن و سعید جم، ۱۳۹۷، «بررسی تحلیلی سیاست اقتصادی پیامبر» در تخصیص منابع»، *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ش ۴، ص ۷-۲۴.

معروف الحسنی، هاشم، *سیره المصطفى*، بیروت، دار التعارف، ۱۴۱۶ق.

نراقی، ملامهدی، *معراج السعاده*، قم، هجرت، ۱۳۷۸.

واقفی، محمدبن عمر، *مغاذی رسول الله*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ق.

هیثمی، نورالدین، *مجمع الزوائد*، بیروت، بی‌تا، ۱۴۰۷ق.